

فلسفه ملال

لارس اسونسن

ترجمه

افشین خاکباز

فرهنگ‌نشر نو

با همکاری نشر آسیم

تهران - ۱۳۹۸

پیش‌گفتار ۷

مسئله ملال

- ۱۱ ملال به مثابه مشکلی فلسفی
- ۲۲ ملال و فلسفه
- ۳۰ ملال و معنا
- ۳۸ ملال، کار و فراغت
- ۴۲ ملال و مرگ
- ۴۷ انواع ملال
- ۵۲ ملال و تازگی

داستان‌های ملال

- ۵۷ آکدیا: ملال پیشامدرن
- ۶۱ از پاسکال تا نیچه
- ۷۰ ملال رومانیتیک، از ویلیام لاول تا دیوانه امریکایی
- ۹۷ درباره ملال، جسم، فناوری و مرزشکنی: تصادف
- ۱۱۲ ساموئل بکت و امکان ناپذیری معنای شخصی
- ۱۲۰ اندی وارهل: نکوهش معنای شخصی

بیدارشناسی ملال

- در باب حاملندی ۱۲۹
- هستی‌شناسی: هرمنوتیکِ ملال ۱۴۰

اخلاقِ ملال

- منظور از من چیست؟ ۱۶۳
- ملال و تاریخ انسان ۱۶۵
- تجربه ملال ۱۷۰
- ملال و بلوغ ۱۸۳

کلام آخر ۱۸۹

یادداشت‌ها ۱۹۳

تأتمامه ۲۱۹

پیش گفتار

علت این که به فکر نگارش این کتاب افتادم ملال عمیقی بود که سستی مرا گرفتار خود کرده بود. ولی آنچه باعث شد اهمیت این موضوع را واقعاً درک کنم مرگ یکی از دوستان نزدیکم، به سبب مشکلات ناشی از ملال، بود. کار به جایی رسیده بود که باید همچون روسی پذیرفتم که «دیگر ملال محبوب من نیست.»^[۱] ملال دیگر تهاژیستی معصومانه یا مشکلی جزئی نبود. گلایهٔ رمبو از «جان دادن از ملال»^[۲] که بعدها در بسیاری از ترانه‌های موسیقی پاپ و راک، از طول تا سرحد مرگ جی. جی. آلین گرفته تا کاری برای کردن پیش می‌رود، تکرار شد، ناگهان لباس واقعیت پوشید. این ترانه‌ها به موسیقی متن زندگی ما تبدیل شدند. می‌دانستم این تجربه به محفل بیرون نزدیک محدود نیست، بلکه نشانهٔ مشکلی جدی در ارتباط با همه در کل فرهنگ معاصر ما نیز هست. تلاش برای بررسی مشکل ملال به معنای تلاش برای درک این است که کیستیم و در این برههٔ خاص از زمان در دنیا چه جایگاهی داریم. ما در دل فرهنگ ملال

زندگی می‌کنیم، و فلسفه ملال تلاش فروتنانه من است برای کنار آمدن با این فرهنگ.

در سطحی دانشگاهی‌تر، نارضایتی از فلسفه معاصر انگیزه کار من بود. امانوئل لویناس اندیشه معاصر را اندیشه‌ای می‌داند که از درون دنیایی می‌گذرد که هیچ نشانی از انسان در آن نیست. [۳] از سوی دیگر، ملال چیزی انسانی - زیاده انسانی - است.

کتاب حاضر مقاله‌ای بود که در دورانی نوشتم که توجهم را به مسئله فراغت معطوف کرده بودم. پس از پایان یک طرح پژوهشی طولانی می‌خواستم استراحت کنم ... و دست به هیچ کاری نزنم. ولی معلوم شد که این کاری نشدنی است و نمی‌توانم هیچ کاری نکنم. بنابراین فکر کردم بهتر است کاری بکنم و کتاب حاضر حاصل این فکر بود.

اغلب برای بیان چیزهایی که ما را عذاب می‌دهند از مفاهیمی که به‌خوبی پرورده شده باشند بی‌بهره‌ایم. در واقع، تعداد اندکی به‌دقت به مفهوم ملال اندیشیده‌اند. معمولاً ملال برجسی سفید است که بر هر چه نتواند علاقه ما را برانگیزد می‌چسبانیم. ملال، بیش و پیش از هر چیز، به‌جای این که موضوع اندیشه‌های نظام‌مند ما باشد چیزی است که با آن زندگی می‌کنیم. با وجود این، می‌توانیم بکوشیم تا مفهومی‌هایی را برای ملال ایجاد کنیم تا بهتر بفهمیم هنگامی که در چنگال ملال گرفتاریم چه چیزی ما را عذاب می‌دهد. کتاب حاضر کوششی است برای اندیشیدن در این باره که ملال چیست، چه زمانی ایجاد می‌شود، چرا چنین است، چرا به آن گرفتار می‌شویم، چگونه بر ما مستولی می‌شود، و چرا نمی‌توان با نیروی اراده بر آن غلبه کرد.

ولی بگذارید بگویم که اگرچه هر آنچه در این کتاب می‌بینید به طیل ارتباطش با ملال مطرح شده است، مسلماً ملال فقط یکی از جنبه‌های هستی انسان است و به هیچ وجه بر آن نیستم تا همه زندگی انسان را به جلوه‌ای از ملال فروبکاهم.

این که شکل درست پرداختن به موضوع را بیابیم اهمیت بسیاری دارد زمانی خواندن مقاله‌ای فلسفی درباره عشق را آغاز کردم. بعد از چند سطر به این جمله رسیدم: «باب فقط و فقط در صورتی عاشق کیت است که ...». در این جا دست از خواندن کشیدم. این شیوه صوری برای پرداختن به موضوعی همچون عشق شیوه مناسبی نبود، چون به احتمال قوی پدیده مورد نظر در فرایند بررسی از بین می‌رفت. بنابراین، خوانندگان محترم نباید توقع جملاتی از این دست را داشته باشند که «پیتز فقط و فقط در صورتی ملول است که ...». همان‌طور که ارسطو می‌گوید، نمی‌توانیم در همه موضوعات به دنبال میزان یکسانی از دقت باشیم، بلکه باید به همان میزانی که برای آن موضوع خاص میسر است قناعت کنیم. ملال پدیده‌ای مبهم و متنوع است و به نظر من مناسب‌ترین شیوه برای بررسی آن مقاله‌ای طولانی است نه رساله‌ای تحلیلی. بنابراین بیش از آن که در پی استدلالی منسجم باشم، می‌خواهم مجموعه‌ای از طرح‌های ساده را ارائه کنم که امیدوارم ما را به درک ملال نزدیک‌تر کند. از آن جا که پدیده ملال گسترده و متنوع است، رویکردی میان‌رشته‌ای را می‌طلبد. بنابراین، کار خود را بر رشته‌هایی از رشته‌های مختلف، از قبیل فلسفه و ادبیات و روان‌شناسی و الهیات و جامعه‌شناسی، مبتنی ساخته‌ام.

کتاب حاضر شامل چهار فصل اصلی است: طرح مسئله، هستان‌ها، پدیدارشناسی، اخلاق. در فصل نخست، شرحی کلی از